



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۲.....	مفهوم شناسی غیبت
۲.....	مبحث نهم: شرط ایمان در غیبت
۲.....	مرور گذشته
۲.....	نظریه قابل قبول ما
۳.....	مقدمه اول: ایمان اجمالی و تفصیلی
۳.....	مقدمه دوم: ایمان اجمالی به ما انزل النبی (ص)
۴.....	مقدمه سوم: ایمان به واقع ما انزل علی النبی (ص)
۴.....	نتیجه گیری



مفهوم‌شناسی غیبت

مبحث نهم: شرط ایمان در غیبت

مرور گذشته

در جلسات پیش بیان کردیم که شرط ایمان در غیبت وجود دارد یا خیر؟ بعد از این اقوالی را بیان کردیم. مجموعه ادله‌ی قرآنی و روایی را بیان کردیم و تقسیم‌بندی آن‌ها را عرض کردیم.

(الف) قید مؤمن در آن ادله وجود دارد. به جز آیه ۱۲ سوره حجرات، ۱۲ روایت در این باب بیان کردیم.

(ب) قید اخوت در آن ادله وجود دارد. ۱۳ روایت در این مورد وجود داشت.

(ج) روایاتی که به این دو متفاوت بود و قید مسلم در آن‌ها بود. ۱۳ روایت در این مورد وجود داشت.

(د) روایاتی که قید ناس و رجل داشت و بیان مطلق داشت.

در هر کدام از این طوایف اربعه، روایات زیادی وجود داشت. در بین آن‌ها روایات معتبری نیز وجود داشت.

یکی از ادله‌ای که مؤمن در آن وجود دارد، آیه ۱۲ سوره حجرات است. بعد از این مؤمن در قرآن را تفسیر کردیم. در آیات و روایات مؤمن و مسلم متفاوت‌اند. این تفاوت، غیر از تفاوتی است که در قرآن آمده است. مسلم اعم از مؤمن است و مؤمن اختصاص به شیعه اثنی عشری و معتقد به ولایت و امامت دارد.

بعد از آن منظور مؤمن در قرآن را بررسی کردیم. در ابتدای نازل شدن آیات، ایمان به ولایت و امامت، مطرح نبود. گرچه بحث وصایت از همان ابتدای بعثت مطرح است. اما آن‌ها در حد نشانه است. نقطه‌ی اوج امامت، غدیر است. قبل از غدیر، آیات زیادی نازل شده است. اکنون باید ببینیم «یا ایها الذین آمنوا» در عصری که امامت تنجز پیدا نکرده است، اشاره به چه کسانی دارد؟

وجوه و احتمالاتی که در تفاسیر آمده بود را بیان کردیم.

نظریه قابل قبول ما

ابتدا مقدماتی را مطرح می‌کنیم:



مقدمه اول: ایمان اجمالی و تفصیلی

نظر ما در این بحث این است که ایمانی که در قرآن مدنظر است در بعضی جاها به صورت تفصیلی مأخوذ است اما بعضی به صورت اجمال و کلی آمده است. بعضی قیود برای ایمان ذکر شده است. مثل ایمان به خدا، پیامبر (ص)، معاد، انبیاء گذشته، کتب گذشته، ملائکه، قرآن و ... هر جا که مؤمن گفته شده است، باید شخص به تمام این موارد اعتقاد داشته باشد.

علاوه بر این مجموعه که به صورت خاص به آن‌ها اشاره شده است، عنوان عام اجمالی است که ما انزل الله یا ما انزل النبی (ص) است. در نتیجه به بعضی از عناوین به صورت تفصیلی به آن‌ها اشاره شده است و به بعضی از عناوین، اجمالاً پرداخته شده است.

در نتیجه مؤمن باید به این موارد اجمالی نیز ایمان داشته باشد، وقتی که برای شخص اثبات شده که اموری از پیامبر (ص) است، قبول کند. کسی که به عنوان ما انزل النبی (ص) پایبند باشد، و اگر به آن‌ها توجه کند، می‌پذیرد، مؤمن است. در نتیجه نسبت به خیلی از امور، ایمان اجمالی کافی است.

مقدمه دوم: ایمان اجمالی به ما انزل النبی (ص)

ایمان اجمالی دارای دو نوع است:

الف) گاهی ما انزل علی النبی (ص) از اموری است که در روایات اشاره‌ای به جایگاه ممتاز آن نکرده است.

ب) در روایات اشاره به جایگاه ممتاز آن شده است.

وقتی به سراغ روایات می‌رویم این دو نوع را می‌بینیم. بعضی از این امور، حالت محوری و رکنی دارند. به خاطر این رکنی بودن نیز زیاد به آن‌ها پرداخته شده است. این امور باعث اختلاف عمیق و گسترده‌ای در امت اسلامی می‌شود. وقتی که چیزی این قدر تأثیرگذار است و آثار آن نیز واضح است، دیگر ایمان اجمالی کافی نیست و نمی‌توانیم بگوییم چون ثابت نشده است، ایمان ندارد و هر وقت ثابت شد، ایمان می‌آورد. مؤمن در اینجا باید به این موارد ایمان تفصیلی داشته باشد.

جمع‌بندی

همان‌طور که بیان کردیم، در متعلق ایمان امور خاصی مطرح شده است و یکی نیز عنوان بما انزل علی النبی (ص) است. در قسم دوم، ایمان اجمالی کافی است.



اما همین عناوین بما انزل علی النبی (ص) گاهی آن قدر محوری و کلیدی است که باعث آثار زیادی در امت اسلامی است و باعث اختلافات شدیدی در بین امت اسلامی می شود. قطعاً ایمان اجمالی به آن ها کافی نیست و باید ایمان تفصیلی به این موارد پیدا کنیم.

تا وقتی که این مسائل مطرح نشده است، ایمان مجمل کافی است. ولی وقتی که آیات امامت وارد می شود و روایات زیادی در این مورد پیامبر (ص) بیان کردند، باید شخص، ایمان تفصیلی داشته باشد. بدون این ایمان تفصیلی، مؤمن در اینجا صادق نیست.

مقدمه سوم: ایمان به واقع ما انزل علی النبی (ص)

عالم ثبوت و واقع ما انزل علی النبی (ص) مورد نظر است. مؤمن کسی است که به خداوند و پیغمبر (ص) ایمان داشته باشد. اگر کسی پیغمبر (ص) را قبول نکرد. البته این شخص معذور بوده است. برای این شخص، پیامبر (ص) اثبات نشده است. نمی توانیم بگوییم که این شخص مؤمن است. درست است که معذور است و شاید بهشت نیز برود، ولی مؤمن نیست. مؤمن کسی است که ایمان به واقع ما انزل علی النبی (ص) دارد.

نتیجه گیری

در متعلق ایمان، اموری است که در قرآن به تفصیل از آن ها یاد شده است. اموری نیز به اجمال از آن ها نام برده شده است. در این امور اجمالی، مطالبی که محوری و کلیدی شده اند با بقیه مجملات متفاوت اند. نسبت به این امور باید ایمان تفصیلی داشته باشیم. البته باید توجه داشته باشیم که باید به واقع آنچه در قرآن آمده است، ایمان داشته باشد. حتی اگر معذور هم باشد، مؤمن نیست.

حاصل عرض ما این است که مورد خطاب «یا ایها الذین آمنوا» در قرآن شیعه اثنی عشری است. در نتیجه این آیه ۱۲ سوره حجرات، درباره ی مؤمنین است و فقط شامل جایی است که مؤمن را غیب کند. بقیه را شامل نمی شود. البته این آیه مفهوم ندارد و غیبت از سایر فرق و مسلمانان دیگر را نفی نمی کند. در این آیه می گوید که غیبت مؤمن حرام است ولی حکم غیبت غیر مؤمن را مطرح نمی کند. تا همین اندازه از این آیه برداشت می شود.